

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته شیعه شناسی
(گرایش کلام)

عنوان:

بررسی مشی سیاسی - اجتماعی امام علی بن الحسین علیه السلام

استاد راهنما:

محمد جواد نجفی

نگارنده:

محمود کرمی

پاییز ۱۳۹۲

تقدیم به:

پیام آوران دشت کربلا که با خون دل، خون شهدای کربلا را
به ثمر نشانند و با زحمات بی دریغ خود، پیام عاشورا را به ما
رسانند.

تشکر و قدردانی:

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم میدانم از تمامی اساتید بزرگوار، بویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده اند تقدیر و تشکر نمایم. از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر محمد جواد نجفی که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده اند، نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم.

چکیده:

امامان معصوم علیهم السلام همواره برای جامعه شیعیان الگو بوده و گفتار و رفتار آنان مورد اقتدا و تاسی شیعیان واقع شده است، در عرصه های سیاسی- اجتماعی نیز اینگونه اند. از اینرو شناخت مشی و مرام سیاسی و اجتماعی آنها امری با اهمیت است. در جامعه امروز ما جایگاه حکومت، سیاست و مسائل سیاسی چنان بر فرهنگ و مسائل فرهنگی غلبه کرده است که اهمیت و جایگاه آن مغفول مانده است، پایان نامه حاضر با موضوع بررسی مشی سیاسی- اجتماعی امام علی بن الحسین علیه السلام تلاش می کند با بررسی شخصیت علمی و اخلاقی امام و جایگاه اجتماعی ایشان، تبیین جایگاه حکومت، سیاست، جنگ، فرهنگ، همچنین اوضاع سیاسی اجتماعی عصر امام، شخصیت حکام و مردم زمانه، موضعگیریهای امام در مقابل حکام و گروههای اجتماعی و فعالیتهای اجتماعی امام، و بررسی دو نظریه که یکی فعالیت امام در عرصه سیاست را واضح و دیگری عدم فعالیت سیاسی و توجه امام به فعالیتهای فرهنگی را تاکید می کند، پس از بررسی و تبیین و تفسیر و احیانا نقد آنها تصویری از مشی سیاسی- اجتماعی امام زین العابدین علیه السلام را ارائه دهد. روش تحقیق ما جمع آوری و بهره گیری از منابع اصیل تاریخی و همچنین زحمات محققان گذشته است که سعی شد تا مجموعه ای از دستاوردهای تحقیقی و تحلیلی آنان را کنار هم گذاشته و با جبران کم و کاستی ها در نهایت به اصول کلی در مشی این امام بزرگوار دست یابیم. نتیجه چنین شد که هرچند امام موضعگیری مستقیم نظامی علیه حکومت عصر نداشتند ولی با بهره گیری از فعالیتهای زیربنایی و به تعبیری فرهنگی سعی در برهم زدن اوضاع اجتماعی داشتند که زمینه را برای در دست گرفتن حکومت در دراز مدت را نیز فراهم می نمود.

کلیدواژه: امام سجاد علیه السلام، سیاست و فرهنگ، اوضاع سیاسی اجتماعی.

فعالیتهای اجتماعی، فعالیتهای زیربنایی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
افصل اول: کلیات	۱
۱-۱ کلیات	۳
۱-۱-۱ مفهوم لغوی و اصطلاحی سیاست	۳
۲-۱-۱ فرهنگ	۴
۳-۱-۱ فرهنگ سیاسی	۴
۴-۱-۱ مفهوم حکومت	۵
۵-۱-۱ اسلام و سیاست	۵
۶-۱-۱ جایگاه حکومت در دین	۶
۷-۱-۱ اهداف حکومت	۸
۸-۱-۱ جنگ در اسلام	۱۰
۹-۱-۱ زبان تبلیغ قبل از زبانه تیغ	۱۲
۱۰-۱-۱ نقش سیاسی - اجتماعی ائمه اطهار (علیهم السلام)	۱۳
۲-۱ امام علی ابن الحسین علیه السلام	۱۴
۱-۲-۱ تاریخ ولادت و مدت زندگی امام علیه السلام	۱۴
۲-۲-۱ القاب	۱۵
۳-۲-۱ شخصیت علمی و اخلاقی امام	۱۶
۴-۲-۱ اظهارات برخی خلفا در مورد امام	۲۳
۱-۴-۲-۱ یزید بن معاویه	۲۳
۲-۴-۲-۱ عبد الملک بن مروان	۲۳
۳-۴-۲-۱ منصور دوانیقی	۲۴
۴-۴-۲-۱ عمر بن عبد العزیز	۲۴
۵-۴-۲-۱ مسلم بن عقبه	۲۵
افصل دوم: اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر امام علی بن الحسین علیه السلام	۲۷
۱-۲ مقدمه:	۲۹
۲-۲ حکام عصر امام علیه السلام	۳۰
۳-۲ گروههای اجتماعی آنروز به تعبیر امام علیه السلام	۳۰
۴-۲ وضع مردم عصر امام علیه السلام	۳۱
۱-۴-۲ وضع مردم مدینه	۳۱

۳۷.....	۲-۴-۲	وضع مردم شام
۳۹.....	۳-۴-۲	وضع مردم کوفه از زبان اهل بیت
۴۴.....	۴-۴-۲	وضع مردم کوفه از زبان ابن زبیر
۴۵.....	۵-۴-۲	وضع مردم عراق از زبان حجاج
۴۷.....	۵-۲	ویژگی خلفای معاصر امام سجاد علیه السلام
۴۷.....	۱-۵-۲	یزید بن معاویه
۵۴.....	۲-۵-۲	عبد الله بن الزبیر
۵۵.....	۳-۵-۲	معاویة بن یزید
۵۸.....	۴-۵-۲	مروان بن حکم
۵۹.....	۵-۵-۲	عبد الملک بن مروان
۶۳.....	۶-۵-۲	حجاج
۶۶.....	۱-۶-۵-۲	خونریزی حجاج
۶۸.....	۲-۶-۵-۲	دشمنی با شیعیان
۷۰.....	۳-۶-۵-۲	توهین به پیامبر
۷۰.....	۴-۶-۵-۲	دشمنی حجاج با اهل بیت
۷۲.....	۵-۶-۵-۲	خراب کردن کعبه
۷۲.....	۶-۶-۵-۲	زندانشان
۷۳.....	۷-۶-۵-۲	هلاکت حجاج
۷۵.....	۷-۵-۲	ولید بن عبد الملک
۷۷.....	۶-۲	قیامها و جنگها
۷۷.....	۱-۶-۲	قیام ابن زبیر
۷۸.....	۱-۱-۶-۲	انگیزه قیام ابن زبیر
۸۱.....	۲-۶-۲	قیام حره
۸۴.....	۱-۲-۶-۲	انگیزه قیام حره
۸۴.....	۳-۶-۲	قیام توابین
۹۰.....	۱-۳-۶-۲	انگیزه قیام توابین
۹۰.....	۴-۶-۲	قیام مختار
۹۲.....	۱-۴-۶-۲	ارزیابی شخصیت مختار
۹۵.....	۲-۴-۶-۲	انگیزه قیام مختار
۹۶.....	۵-۶-۲	شورش خوارج
۹۶.....	۷-۲	بحران های سیاسی
۹۶.....	۱-۷-۲	تقدیس خلافت

۱۰۰	ستم بر شیعیان	۲-۷-۲
۱۰۰	پنهان شدن شیعیان و ناسزاگویی به امیر المؤمنین	۳-۷-۲
۱۰۱	جو رعب و وحشت	۴-۷-۲
۱۰۳	پیروان اندک	۴-۷-۲
۱۰۷	بحران های فرهنگی - اجتماعی عصر امام	۸-۲
۱۰۷	انحرافات دینی	۱-۸-۲
۱۰۸	فراموشی سنتهای اسلامی	۲-۸-۲
۱۰۹	انحطاط فکری	۳-۸-۲
۱۱۰	اعتقاد به جبر	۴-۸-۲
۱۱۰	غنا و آوازه خوانی	۵-۸-۲
۱۱۳	فصل سوم: موضعگیریهای امام علی بن الحسین علیه السلام	۳
۱۱۵	۱-۳ مقدمه	۳
۱۱۵	۲-۳ موضعگیری های امام در مقابل حکام	۳
۱۱۵	۱-۲-۳ موضع گیری امام در مقابل یزید	۳
۱۲۰	۲-۲-۳ موضعگیری امام در مقابل ابن زیاد	۳
۱۲۱	۳-۲-۳ موضعگیری امام در مقابل عبدالملک	۳
۱۲۲	۱-۳-۲-۳ عبد الملک شمشیر پیامبر را مطالبه می کند	۳
۱۲۲	۲-۳-۲-۳ دستگیری امام	۳
۱۲۳	۳-۳-۲-۳ ارتباط عبدالملک با امام	۳
۱۲۵	۴-۳-۲-۳ جواب امام به پادشاه روم	۳
۱۲۵	۴-۲-۳ موضعگیری امام در مقابل عمر بن عبدالعزیز	۳
۱۲۷	۳-۳ موضعگیری های امام در قیامها	۳
۱۲۷	۱-۳-۳ موضعگیری امام در شورش ابن زبیر	۳
۱۲۷	۲-۳-۳ موضعگیری امام در قیام مردم مدینه	۳
۱۲۸	۳-۳-۳ موضعگیری امام در قیام توابین	۳
۱۲۹	۴-۳-۳ موضعگیری امام در قیام مختار	۳
۱۳۴	۵-۳-۳ موضعگیری امام در شورش خوارج	۳
۱۳۵	فصل چهارم: فعالیتهای اجتماعی امام سجاد علیه السلام	۴
۱۳۷	۱-۴ مقدمه	۴
۱۳۷	۲-۴ حضور فعال در اجتماع	۴
۱۳۸	۳-۴ برخورد های اجتماعی امام	۴
۱۳۸	۱-۳-۴ برخورد امام (ع) با دشمنان	۴

۱۴۱	برخورد امام با عامه مردم	۲-۳-۴
۱۴۳	برخورد با بردگان	۳-۳-۴
۱۴۵	فعالیت‌های زیربنایی	۴-۴-۴
۱۴۵	تبیین و تثبیت مسأله امامت (ع)	۱-۴-۴
۱۴۵	در خطبه‌ها	۱-۱-۴-۴
۱۴۵	در روایات	۲-۱-۴-۴
۱۴۸	در دعاها	۳-۱-۴-۴
۱۴۹	در بیان مسائل فقهی	۴-۱-۴-۴
۱۵۰	با اظهار کرامات و اخبار غیبی	۵-۱-۴-۴
۱۵۴	کادر سازی	۲-۴-۴
۱۵۶	زنده نگه داشتن یاد شهدای کربلا	۳-۴-۴
۱۵۷	آزادسازی بردگان	۴-۴-۴
۱۵۹	فعالیت‌های علمی	۵-۴-۴
۱۵۹	صرف وقت برای نشر دانش	۱-۵-۴
۱۶۰	حدیث	۲-۵-۴
۱۶۱	نظارت بر جریانهای فکری	۳-۵-۴
۱۶۱	بیان توحید	۱-۳-۵-۴
۱۶۳	هشدار به غالیان	۲-۳-۵-۴
۱۶۳	مبارزه با جبرگرایی	۳-۳-۵-۴
۱۶۵	مبارزه با تصوف و زهدنمایی	۴-۳-۵-۴
۱۶۶	مبارزه با عالمان درباری	۵-۳-۵-۴
۱۶۸	تالیفات	۶-۴-۴
۱۶۸	صحیفه سجّادیه	۱-۶-۴
۱۶۹	رسالة الحقوق	۲-۶-۴
۱۶۹	قرآن بخط امام سجاد (ع)	۳-۶-۴
۱۷۰	دیوان شعر منسوب به امام سجاد (ع)	۴-۶-۴
۱۷۱	کتاب علی بن حسین (ع)	۵-۶-۴
۱۷۲	مناجاتهای پانزده گانه	۶-۶-۴
۱۷۲	مناجات انجیلیه	۷-۶-۴
۱۷۳	برخی دیدگاههای سیاسی امام	۷-۴-۴
۱۷۳	برخورد امام با عباد بصری در منی	۱-۷-۴
۱۷۴	یرخورد امام با زهری	۲-۷-۴

۱۷۷ امام (ع) تقیه را برای شیعه ضروری می‌داند	۳-۷-۴
۱۷۹ توجه به امر به معروف و نهی از منکر	۴-۷-۴
۱۷۹ دعا برای مرزداران	۵-۷-۴
۱۸۰ صبر کردن و نهی از جنگ	۶-۷-۴
۱۸۱ فصل پنجم: بررسی نظریات	۵
۱۸۳ ۱-مقدمه	۵
۱۸۳ ۲-دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای	۵
۱۸۳ ۱-۲-جایگاه حکومت در دین	۵
۱۸۶ اهداف امامان اهل بیت علیهم السلام	۲-۲-۵
۱۸۷ فرهنگ	۳-۲-۵
۱۸۸ فرهنگ سیاسی	۴-۲-۵
۱۸۹ مشی سیاسی- اجتماعی امامان اهل بیت علیهم السلام	۵-۲-۵
۱۹۳ اهداف امام سجاد علیه السلام	۶-۲-۵
۱۹۷ خلاصه	۷-۲-۵
۱۹۹ ۳-دیدگاه رسول جعفریان	۵
۲۰۴ خلاصه دیدگاه جعفریان	۱-۳-۵
۲۰۷ ۴-نقدها	۵
۲۰۹ ۵-نتیجه گیری و پیشنهادات	۵
۲۱۵ کتاب نامه	
 چکیده انگلیسی	

مقدمه

در این فصل با توجه به موضوع پایان نامه که « بررسی مشی سیاسی - اجتماعی امام علی بن الحسین علیه السلام » است، سعی کرده ایم تا تعریف واضحی از مفاهیم مورد نیاز را ارائه دهیم تا در بررسی نتیجه از آنها بهره مند شویم.

تعریف مسأله

در تفسیر مشی سیاسی امامان اهل بیت علیهم السلام، بین صاحب نظران تاریخ سیاسی شیعه اختلاف نظر دیده می شود؛ در حالی که بعضی از صاحب نظران معتقدند که امامان شیعه دارای دیدگاههای کاملاً انقلابی و موافق تغییرات ساختاری قدرت بوده اند و در این زمینه تقیه و پنهان کاری میکرده اند. دسته دیگر بر این باورند که آنها پس از شهادت حضرت سیدالشهداء علیه السلام، دیگر گرایشات انقلابی نداشتند و عرصه سیاست و قدرت را به کلی کنار نهاده و به حوزه فعالیت های فرهنگی روی آورده اند.

پژوهش حاضر، تلاش میکند تا به طور موردی و جزئی، مشی سیاسی - اجتماعی امام علی بن الحسین را مورد بررسی قرار داده و از طریق شواهد و قرائن، نظر روشنی درباره مشی سیاسی - اجتماعی امام علی بن الحسین (ع) را مطرح نماید. انشاءالله

ضرورت انجام تحقیق

امامان شیعی همواره برای جامعه شیعیان الگو بوده و گفتار و رفتار آنان مورد اقتدا و تاسی شیعیان واقع شده است. از اینرو شناخت مشی و مرام سیاسی آنها امری با اهمیت است. شناخت مشی و روش امام در سیاست و حکومت، جنگ و صلح، امر به معروف و نهی از منکر، برخورد با حکومت‌های جور، اولویتهای امام، اهمیت مسایل زیربنایی و فرهنگی، تعلیم و تربیت، خود سازی و دیگر موضوعات، ضرورت پژوهش در این عرصه را آشکار می سازد.

سوالات تحقیق:

سوالات اصلی

۱) مشی سیاسی - اجتماعی امام علی بن الحسین (ع) چگونه بوده است؟

سوالات فرعی

۱) امام سجاد (ع) از چه شیوه ای برای تغییر وضعیت سیاسی استفاده می کردند؟

۲) امام سجاد (ع) از چه شیوه ای برای تغییر وضعیت اجتماعی-فرهنگی استفاده می کردند؟

فرضیه های تحقیق

امام زین العابدین علیه السلام، با توجه به اوضاع سیاسی اجتماعی زمانه خود، با استفاده از ابزار فرهنگی سعی در افزایش آگاهی دینی مردم می نماید که نهایتاً در دراز مدت به تغییر وضعیت سیاسی- اجتماعی و تغییر حکومت نیز می انجامد.

امام علیه السلام با استفاده از ابزار فرهنگی زمینه به دست گرفتن حکومت در دراز مدت فراهم نمود.

همچنین امام علیه السلام با تکیه بر سنتها و با بهره گیری از علوم گسترده خویش و آموزش آن در قالبهای مختلف سعی در تغییر و اصلاح وضعیت موجود داشتند.

پیشینه تحقیق

اگر چه منابع مستقلی توسط مورخان و مفسران، در زمینه زندگانی و سیره عمومی امامان(ع) نوشته شده است، ولی متأسفانه، در زمینه مشی سیاسی- اجتماعی تک تک ائمه(ع)، کمتر به آن پرداخته شده است؛ علاوه بر کتابهای تاریخ عمومی که از قرن های گذشته به ما رسیده است، زحماتی نیز خصوصاً و یا در بخشهایی از یک کتاب به صورت عمومی در تحلیل زندگانی امام زین العابدین علیه السلام نگاشته شده اند، اما مختص به مشی سیاسی - اجتماعی امام نیستند و یا همه جانبه به فعالیتهای امام نظر نیفکنده اند. (کتابهای: أعيان الشیعة نوشته سید محسن امین عاملی، إعلام الوری بأعلام الهدی نوشته فضل بن حسن طبرسی، زندگانی علی بن الحسین نوشته سید جعفر شهیدی، حياة الامام سجاد نوشته باقر شریف قرشی، تاریخ زندگانی امام سجاد علیه السلام و تاریخ تحلیلی نوشته علی رفیعی، انسان ۲۵۰ ساله نوشته آیت الله خامنه ای، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه نوشته رسول جعفریان، نقش امام سجاد در رهبری شیعه پس از واقعه کربلا نوشته محسن رنجبر، نمونه ای از این زحمات می باشند.) آیت الله خامنه ای در کتاب خود، انسان ۲۵۰ ساله، ائمه(ع) بعد از امام حسین(ع) را با تفاسیری، دارای رویکرد سیاسی، و آقای جعفریان در کتاب خود حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، آنان را دارای رویکرد فرهنگی می دانند که امام سجاد نیز از آنان بشمار می آید. هرچند بررسی اینگونه موضوعات، نیاز به زمان و اطلاعات کافی در مورد حوزه های مختلف دین دارد ولی با توجه به اهداف اصلی دین و وظایف ائمه اطهار(ع) می توان در رویدادهای مختلف اجتماعی، تحلیلی درست ارائه داد، و لذا ما به قدر وسع خود سعی نمودیم با تبیین اهداف اصلی دین و وظایف ائمه اطهار(ع)، اوضاع سیاسی- اجتماعی عصر امام، فعالیتهای امام، مشی سیاسی- اجتماعی امام علی بن الحسین علیه السلام را بررسی کرده، تا انشاءالله شروعی برای تحقیقات گسترده تر و دقیقتر باشد.

روش تحقیق

اطلاعات جمع آوری شده در این رساله، شامل مطالعات کتابخانه ای، تعریف اصطلاحات بکار برده شده و نسخه برداری از منابع اصیل تاریخ عمومی و کتابهای سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام می باشد. این گزیده اهداف دین و جایگاه حکومت و سیاست و اهمیت جنگ و تبلیغ را متذکر شده و سپس با نگاه به تحولات سیاسی- اجتماعی عصر امام و موضعگیریهای امام، همچنین فعالیتهای آن امام بزرگوار در عرصه اجتماع می پردازد و سپس با بررسی نظریات به مقایسه محتوایی و در نهایت به یک جمع بندی در مورد مشی سیاسی- اجتماعی امام علی بن الحسین علیه السلام رسیده است.

این رساله در پنج فصل نگاشته گردیده است که فصل اول آن شامل کلیات و مفاهیم و توضیحات مورد نیاز جهت بررسی و نتیجه گیری نهایی است. در فصل دوم به بررسی اوضاع سیاسی- اجتماعی عصر امام و سپس در فصل سوم به موضعگیریهای امام در برخورد با حکام و خواص جامعه و دیگر مردمان پرداخته و پس از آن در فصل چهارم به فعالیتهای امام توجه نموده و با بررسی نظریات در فصل پنجم و در نهایت به نتیجه گیری و جمع بندی رسیده ایم.

فصل اول: کلیات

۱-۱ کلیات

۱-۱-۱ مفهوم لغوی و اصطلاحی سیاست

سیاست در لغت به معنای تدبیر چیزی و به مصلحت آن اقدام کردن می‌باشد. این معنای عام شامل تدبیر امور شخصی، تدبیر منزل و تدبیر امور اجتماعی می‌شود.^۱

«سیاست، در اصطلاح به علم حکومت بر کشور، فن حکومت بر جوامع انسانی، علم قدرت تصمیم‌گیری درباره مسائل ناهمگون جامعه، مطالعه و اعمال قدرت و نفوذ سیاست نیز گفته می‌شود.

سیاست در فرهنگ علوم سیاسی، بررسی کارکردهای حکومت یا دولت، مدیریت امور همگانی، احزاب سیاسی و تدابیری است که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند و این تدابیر شامل سیاست داخلی و خارجی می‌باشد.^۲»

البته در بسیاری موارد بین معنای لغوی و اصطلاحی خلط می‌شود و گوینده یا شنونده بدون توجه به معانی متفاوت و عرصه‌های مختلف، به طرح موضوع می‌پردازند و در نهایت به اظهار نظر می‌پردازد. یعنی اینکه در مواردی بین سیاست به معنای مطلق تدبیر در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی و سیاست به معنای حکومتداری و ورود به دستگاه حکومتی، خلط می‌شود. مثل اینکه ما در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی، صنعتی، آموزشی و... تدابیری می‌اندیشیم و برنامه‌ها و چشم‌اندازهایی داریم که از آنها تحت عنوان سیاست به همان معنای تدبیر یاد می‌کنیم (سیاست اقتصادی، سیاست فرهنگی، سیاست نظامی و...)

^۱ مصباح المنیر ج ۶ ص ۱۰۸

^۲ قدرت الله بهرامی، محمد رضا مومن، نظام سیاسی اجتماعی اسلام، نرم افزار زمزم، صفحه ۲۸-۲۹

۱-۱-۲ فرهنگ

واژه فرهنگ، به دلیل وسعت مفهومی که دارد، تعاریف گوناگون و متفاوتی نیز از آن شده است. « معانی متفاوت فرهنگ حاکی از پیچیدگی و سیالیت آن است. فرهنگ هم به مفهوم دانش، علم، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت است و هم آن را مجموعه آداب و رسوم، عقاید، افکار، ارزش‌ها و هنجارهای یک ملت تعریف کرده‌اند، همان‌گونه که آن را مجموعه عناصر ذهنی و عینی جاری در سازمان‌های اجتماعی و قابل انتقال از نسلی به نسل دیگر نیز دانسته‌اند.

بعضی از متفکران فرهنگ را تارهای معنایی می‌دانند که انسان‌ها آن را بافته و در آن معلق‌اند. از این نگاه فرهنگ رمز یا نظامی از معانی تلقی می‌شود که از طریق آنها انسان‌ها به ارتباط با هم پرداخته، شناخت و طرز فکر خود را درباره زندگی تداوم و توسعه می‌بخشند.^۱ »

۱-۱-۳ فرهنگ سیاسی

«اگر به مجموعه فرآورده‌های عمیق ذهنی فرهنگ گفته می‌شود، فرهنگ سیاسی (به معنای) باورها، اندیشه و عقاید مربوط به سیاست، قدرت و رهبری جامعه است. برای درک این مفهوم لازم است به معنای افکار عمومی نیز توجه داشته باشیم. فرهنگ سیاسی و افکار عمومی هر دو با تمایلات سیاسی در جامعه ارتباط دارند، هر دو بر رفتارها و عکس‌العمل شهروندان تأثیر می‌گذارند، اما تفاوت آنها در سطح و عمق است. افکار عمومی با گرایش‌ها، تمایلات و رفتارهای سیاسی روز مرتبط است، و از ثبات برخوردار نیست، ممکن است موجی برخیزد و شهروندان نسبت به عملکرد یک قوه حکومتی موقتاً بدبین شوند و موجی دیگر آن را به خوش‌بینی تبدیل کند. محبوبیت رئیس‌جمهور امروز در نزد افکار عمومی مثبت باشد و فردا تغییر کند. بنابر این افکار عمومی جامعه مرتب در حال تغییر و دگرگونی است. اما فرهنگ سیاسی تقریباً از ثبات نسبی برخوردار است. تغییر در فرهنگ سیاسی زمان بر و کند است، مثلاً بدبینی به حکومت و یا برخورد استبدادی در رفتار افراد، از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی است که ممکن است حتی با وجود تغییر حکومت استبدادی در عمق اذهان افراد وجود داشته باشد و چنانچه افکار عمومی درباره یک موضوع سیاسی به مدت زیادی دوام پیدا کند و از سطح

^۱ آیت مظفری، مفهوم‌شناسی اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، نرم افزار زمزم ص: ۲۰۰

ذهنیت افراد به عمق آن برود، تبدیل به فرهنگ سیاسی می‌شود. فرهنگ سیاسی، ارزش‌های سیاسی یک جامعه را تعیین می‌کند، مبانی مشروعیت نظام سیاسی را روشن می‌کند.^۱»

۴-۱-۱ مفهوم حکومت

«حکومت از ریشه حُکم و به معنای قضاوت کردن، فرمان دادن و فرمانروایی است. بنابراین، حاکم؛ یعنی کسی که فرمان می‌دهد، قضاوت و حکومت می‌کند. وقتی از این واژه سخن گفته می‌شود، ممکن است یکی از سه معنای زیر اراده شود:

۱- عمل حکومت و رهبری: یعنی اعمال حاکمیت به وسیله رژیم سیاسی.

۲- رژیم سیاسی: بیانگر نوع رژیم حاکم است، مانند حکومت ایران که جمهوری اسلامی است.

۳- ارگانهایی که در عمل، حکومت را در اختیار دارند، مانند آنچه که از معنای خاص دولت اراده می‌شود، مثل قوه مجریه، شورای وزیران یا کابینه.

بطور کلی، حکومت مجموعه‌ای از نهادها و سازمانهای سیاسی اجتماعی است که برای اداره امور کشور و حفظ انتظام جامعه به وجود می‌آید. دولت به مفهوم عام آن، به وسیله این نهادها تجلی یافته و اعمال حاکمیت می‌کند.^۲»

۵-۱-۱ اسلام و سیاست

«اسلام را نباید در برابر مکاتب فکری محض قرار داد؛ زیرا مکاتب فکری صرف، تنها در حریم فکر و اندیشه برنامه دارند و بس. اگر بخشی از اسلام مربوط به معارف و اعتقادات و جهان‌بینی است و بخش دیگری از آن مربوط به امور اخلاقی و تهذیب نفس می‌باشد، در کنار این دو، بخش سوم وجود دارد که به شرح وظائف و دستورهای عملی پرداخته است.

اگر اسلام نظارت و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و دفاع دارد، اگر حدود و مقررات و قوانین اجتماعی و جامع دارد، این نشان می‌دهد که اسلام یک تشکیلات همه جانبه

^۱ همان ص ۲۰۰-۲۰۱

^۲ قدرت الله بهرامی محمد رضا مومن، نظام سیاسی اجتماعی اسلام، ص ۳۵

و یک حکومت است و تنها به مسأله اخلاق و عرفان و وظیفه فرد نسبت به خالق خود یا نسبت به انسان‌های دیگر نپرداخته است؛ اگر اسلام راه را به انسان نشان می‌دهد و در کنارش از او مسؤولیت می‌طلبد، اگر اسلام آمده است تا جلوی همه مکتب‌های باطل را بگیرد و تجاوز و طغیان طواغیت را در هم کوبد، چنین انگیزه‌ای، بدون حکومت و چنین هدفی، بدون سیاست هرگز ممکن نیست.

اسلام از آن جهت که دین الهی است و از آن جهت که کامل و خاتم همه مکتب‌هاست، برای اجرای احکامش و برای ایجاد قسط و عدل در جامعه، حکومت و دولت می‌خواهد؛ برای نبرد با طاغوت و ستیز با ظلم و تعدی طاغوتیان، حکومت و حاکم می‌خواهد. اسلام بی‌حکومت و بی‌اجرا، قانون صرف است و از قانون که «سوادى بر بیاض» است، به تنهایی کاری ساخته نیست و اگر دشمنان اسلام، جدایی دین از سیاست را ترویج می‌کنند و اسلام بی‌حکومت را تقدیس و تکریم کرده و می‌کنند، برای خلع سلاح نمودن مسلمین و جامعه اسلامی است؛ نه به جهت خیرخواهی و نیکاندیشی یا اسلام‌شناسی واقعی و اصیل آنان.^۱ «

۱-۱-۶ جایگاه حکومت در دین

«در حکومت دینی، رهبری و مدیریت جامعه، ابزار و وسیله‌ای برای دین است. از این‌رو، هدف آن مستقل از اهداف دین نیست؛ یعنی حکومت، ارزش مستقلی ندارد، بلکه ملاک ارزش گذاری‌اش میزان اثر آن در اجرای اهداف دین است. به یقین، حکومت در دین نقشی ارزشمند دارد و نیز از آن حیث که در اعمال نظر دین، نسبت به امور اجتماعی مردم، سهم به‌سزایی دارد، از جایگاه مهمی برخوردار است. لذا، نگرش دین به حکومت، تنها از آن جهت نیست که برای رسیدن به بعضی اهداف، بهتر است از حکومت کمک بگیرد، بلکه آن را امری می‌داند که بی‌آن به بسیاری از اهداف عمده خود در عرصه‌های فردی و اجتماعی، دست نمی‌یابد.

روشن است که ابزار بودن حکومت برای نیل به اهداف عمده دینی و این که حکومت، هدفی مستقل نیست، از اهمیت نقش آن نمی‌کاهد؛ چون از منظر دین، حکومت، تنها راه دستیابی به اهداف فردی و اجتماعی است و برای آن همتا و جایگزین مطمئنی وجود ندارد. بنابراین، ارزش عملی حکومت و مدیریت جامعه در تعالیم دین، بسیار مهم و حیاتی، و فراتر از یک امر جنبی و کم‌فایده است.

^۱ عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه، محقق محمد مهربانی (قم، اسراء، ۱۳۸۹، چاپ نهم) صفحه ۷۶-۷۷

امیر مؤمنان (علیه السلام) در مقام ارزش گذاری بر حکومت، بهای آن را با ترشح‌بینی بز، یکسان دانسته است؛ مگر حکومتی که در پرتو آن، بتوان عدالتی را حاکم کرد و از ظالم حقی را ستاند؛ «والذی فلق الحبّة و برأ النسمة! لولا حضور الحاضر و قیام الحجّة بوجود الناصر و ما أخذ الله علی العلماء ألاّ یقاروا علی کظّة ظالم و لا سغب مظلوم لألقیت حبلاً علی غاربها و لسقیت آخرها بكأس أولها و لألفیتهم دنیاکم هذه أزهّد عندی من عطفة عنز^۱»

دین، هرگز از حکومت و سیاست جدا نمی‌باشد؛ دین، موعظه و نصیحت و تعلیم محض مسائل فردی و مسائل اخلاقی و اعتقادی نیست، بلکه احکام اجتماعی و سیاسی نیز دارد.

خدای سبحان در یکی از آیات قرآن کریم، هدف ارسال رسولان خود را چنین بیان می‌فرماید: (كان الناس أمة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين وأنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه) در این آیه کریمه، مسأله رفع اختلاف میان مردم، به عنوان هدف بعثت انبیاء مطرح شده است. اگر اختلاف میان انسان‌ها امری طبیعی و قطعی است چنانکه در پیش گفته شد و اگر رفع اختلاف‌ها، امری ضروری برای ایجاد نظم در جامعه بشری و دوری از هرج و مرج است، موعظه و نصیحت و مسأله‌گویی صرف نمی‌تواند مشکل اجتماعی را حل کند و لذا هیچ پیامبر صاحب شریعتی نیامده است مگر آنکه علاوه بر تبشیر و انذار، مسأله حاکمیت را نیز مطرح نموده است. خدای سبحان در این آیه نمی‌فرماید پیامبران به وسیله تعلیم یا تبشیر و انذار، اختلاف جامعه را رفع می‌کنند، بلکه می‌فرماید به وسیله «حکم» اختلافات آن را بر می‌دارند؛ زیرا حل اختلاف، بدون حکم و حکومت امکان‌پذیر نیست.

اکنون نیز که انسان‌ها نسبت به امم گذشته، از علم و تمدن بهره بیشتری دارند، هرگز نمی‌توان اختلافات آنان را با مسأله‌گویی و صرف نصیحت از میان برد؛ بلکه نظام و حکومتی لازم است تا احکام قضایی و جزایی و کیفری را به اجرا درآورد و حدود و قصاص و دیات و مجازات‌های مالی و اقتصادی را محقق سازد و اساساً قضاء و داوری، بدون حکومت امکان‌پذیر نیست و این دو، متلازم یکدیگرند و حکومت، مجری احکام قضایی است.

بنابراین، هر مکتبی که پیام‌آور شریعتی برای بشر باشد، به یقین، احکام فردی و اجتماعی را با خود آورده است و این احکام، در صورتی مفید و کارساز خواهند بود، که به اجرا درآیند و اجرای قانون و احکام الهی نیز ضرورتاً نیازمند حکومتی است که ضامن آن باشد. در غیر این صورت، یا اساساً احکام دینی به اجرا در نمی‌آید و یا اگر اجرایش به دست همگان باشد، لازمه‌اش هرج و مرجی است که بدتر از نبودن احکام در جامعه است.

^۱ نهج البلاغه، خطبه ۳.

^۲ سوره بقره، آیه ۲۱۳.